

راستگوی ملا حظه کار باشیم

رک و راست بودن، ویژگی خیلی خوبیه اما گاهی در دسر ساز می شه. دوست نظرت رو درباره ارائه کلاسیش که اصلا هم خوب نبوده، می پرسه. اگه بگی «کارت واقعا بد بود»، ناراحت می شه. اگه هم بگی «آفرین، عالی بود» که دروغه. چه کار باید کرد؟ درک کردن طرف مقابل و انتخاب هوشمندانه واژه ها. دوستت برای آماده کردن ارائه اش، زحمت کشیده و اگه تلاشش رو نادیده بگیری، خیلی مایوس می شه. پس می تونی بهش بگی «می دونم که برای این

ارائه وقت گذاشتی، خسته نباشی». از طرفی نباید بهش دروغ بگی، ولی لازم هم نیست نظرت رو با کلمات تند و تیز بیان کنی «به نظرم [مثلا] اگه موقع توضیح دادن به کتاب نگاه نمی کردی، بهتر بود». این مثال، مهم ترین نکته رو برای انتقاد کردن از دیگران بهت یاد میده. به راه دیگه برای گفتن نظر و اقیعت بدون ناراحت کردن دیگران، استفاده از ضمیر اول شخصه؛ یعنی به جای این که «خیلی نامفهوم و سریع حرف می زدی» می تونی بگی «من برای فهمیدن بخش هایی از ارائه ات باید خیلی تمرکز می کردم. منظورت از فلان قسمت چی بود؟». دوست این طوری متوجه ضعف کارش می شه بدون این که حس کنه داری مسخره اش می کنی. موقع باز خورد صریح دادن به دیگران، حواست به احساسات خودت هم باشه؛ حالا که داری از دوست انتقاد می کنی، دلش انتقام گرفتن از فلان رفتار ناراحت کننده اش نیست؟



دوستان عزیز جوانه، سلام!

فردا روز دانشجو است و دور نیست وقتی که این روز رو به شماها تبریک بگم. فکر کردین قراره تو دانشگاه چی بخونین؟ رشته ای که طرفدار زیاد یا مثلا اسم خفن و باکلاسی داره؟ رشته ای که پول ساز باشه؟ رشته ای که دوستش دارین و می دونین برای موفق شدن در اون تمام تلاشتون رو خواهید کرد؟ اگه برای ادامه مسیر زندگی تون، دانشگاه رو انتخاب نکردین که هیچ ولی اگه قراره برانش داشته باشید.

شماره پیامک ۰۰۰۹۹۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلشن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۴۰۰۰

نگین ۱۳ ساله میگه: «حال خوب یعنی توی همه درس هایت موفق باشی و از همه بهتر نمره ۲۰ بگیری».



عکس: مرجان دهقان

رفقا! ستون جدید آورديم براتون. از اين به بعد قراره هفته درمبون، درباره يه سوژه جالب «میثی پرونده» بنویسیم. با شماره های بالای صفحه در تماس باشید، هم نظر تون رو درباره این بخش بگید و هم موضوعات پیشنهادی تون رو برامون بفرستین.

چرا پسر ها نباید گریه کنند و دختر ها باید صورتی بپوشند؟

الیه توانا | روزنامه نگار

ما از حدود سه سالگی به بعد، جنسیت مان را می شناسیم و به مرور نقش های آن را یاد می گیریم؛ ماما و بابا و خواهر و برادر بزرگ تر و بعدها معلم و همکلاسی و گروه های دوستانه و سینما و تلویزیون و کتاب ها تصویر ما از جنسیت مان را شکل می دهند و به ما کمک می کنند رفتار متناسب با آن را آموزش ببینیم؛ آموزشی که البته همیشه درست و دقیق نیست و حتی ممکن است ما را به اشتباه بیندازد. اما چطور ممکن است کسانی که به حسن نیت و اطلاعات و آگاهی شان اطمینان داریم، باعث اشتباه کردن ما بشوند؟ عمدی در کار است؟ معمولانه. بعضی چیز ها آن قدر در طول سال ها تکرار می شوند که به عنوان واقعیت می پذیریم شان. چرا؟ چون فکر می کنیم اگر عده زیادی به چیزی معتقدند یا اگر باوری، از مدت ها قبل وجود داشته حتما درست است در حالی که لزوما این طور نیست. مثلا چه کسی گفته پسر ها نباید گریه کنند؟ این از آن کلیشه های قدیمی است که نسل به نسل منتقل شده ولی با هیچ منطقی توجیه شدنی نیست. گریه یک واکنش انسانی طبیعی در مقابل درد، غصه، ناامیدی و دل تنگی است و هیچ ربطی به ضعیف بودن ندارد. ضعیف بودن هم هیچ ارتباطی با جنسیت ندارد. پسر ها فقط برای گریه کردن سرزنش نمی شوند، باور های کلیشه ای به آن ها اجازه ترسیدن هم نمی دهد؛ «تو چه پسر ی هستی که از سوسک / تاریکی می ترسی؟» موضوع ترس آدم ها به تجربه های شان بستگی دارنه جنسیت. تومی توانی از هر چیزی که باعث وحشت می شود، بی خجالت ترسی و اگر این ترس حل کردنی است برای حال بهتر خودت بر آن غلبه کنی. یا مثلا چه کسی گفته دختر ها حتما باید لباس های صورتی و گل گلی بپوشند؟ رنگ ها ارتباط مستقیمی با سلیقه آدم ها دارند و هیچ قاعده قانونی در این باره وجود ندارد که قرار باشد همه را شبیه به هم کند. کلیشه های دخترانه غیر از تصمیم گیری برای لباس و ظاهر دختر ها، درباره جزئیات رفتار آن ها هم اظهار نظر می کنند؛ «دختر که این قدر پر جنب و جوش نمی شه»، «دختر مگه فوتبال می بینه؟». این حکم های کلی فقط یک سری باید ها و نباید های کلامی بی تأثیر نیستند، بلکه آن قدر قدرتمندند که می توانند استعداد ها و توانایی ها و علایق تو را خفه کنند. توحق داری به برخی باور های دست و پا گیر تر ندهی. البته نگاه انتقادی داشتن به کلیشه های جنسیتی به این معنی نیست که باید با همه معتقدان به این کلیشه ها جنگی و در مقابلشان بایستی، بلکه لازم است از رفتار خود آگاه تر باشی.



گپی با نوجوانی که بازی سازی و برنامه نویسی حرفه ای انجام می دهد

بازی ساز ۱۷ ساله

دور همی

مصطفی میرجانیان | روزنامه نگار

«علی کمالی محمدزاده» یک برنامه نویسی ۱۷ ساله کار درست است که تا امروز بیش از ۳۰ بازی رایانه ای ساخته. این اواخر هم یکی از

بازی هایش، «ردپای شیطان» که درباره دفاع مقدس است، در مسابقات خوارزمی مقام به دست آورده. علی اما به این مقام راضی نشده است و این روزها دارد حسابی روی بازی هایش کار می کند تا اسمال یک مدال خوش رنگ به گردش بیندازد. دوست نوجوان ما این هفته به جوانه دعوت شده است و درباره حرفه هیجان انگیزش کلی با هم گپ زده ایم.

● برنامه نویسی، دنیای ناممکن ها

از علی می خواهم درباره خودش و تخصصش توضیح بدهد، می گوید: «برنامه نویسی به نوعی حرف زدن با رایانه است؛ یک برنامه نویس از واژه ها و کاراکتر هایی استفاده می کند که رایانه آن را می شناسد و اجرا می کند. این واژه ها کاربردهای زیادی داره؛ مثلا ممکن است یک بار یک پویانمایی جذاب بسازد یا فرم یک بازی هیجان انگیز را مشخص کند. بیشتر آدم ها اطلاعات کمی درباره برنامه نویسی ها دارند و تصور می کنند ما همه هکر هستیم. مثلا بعضی از دوست هایم حتی حاضر نیستند برای چند لحظه گوشی تلفن شان را به من بدهند چون فکر می کنند گوشی شان هک می شود و اطلاعات لو می رود! برنامه نویسی، کار فوق العاده ای است؛ ما دنیایی خلق می کنیم که هر کار غیر ممکنی در آن ممکن است. من از شش سال پیش برنامه نویسی را شروع کردم؛ اوایل به صورت خودآموز، از اینترنت تحقیق می کردم و چیز هایی یاد می گرفتم. بعدها به کلاس های آموزشی رفتم و تا الان چند سایت را بر نامه نویسی کردم و بیش از ۳۰ بازی ساخته ام».

● هکر های خوب، هکر های بد

حالا که حرف از هکر ها شد، از علی می خواهم کمی در این باره به من اطلاعات بدهد: «همان طور که گفتم خیلی ها برنامه نویس ها را فقط با هک کردن اطلاعات می شناسند و فکر می کنند هکر ها آدم های خطرناکی هستند اما هکر ها هم خوب و بد دارند و به چهار دسته کلاه صورتی، کلاه خاکستری، کلاه سیاه و کلاه

سفید تقسیم می شوند. کلاه صورتی ها کسانی هستند که برای هک کردن اطلاعات از نرم افزار هایی استفاده می کنند که برنامه نویسی های دیگران را طراحی کرده اند. هکر های کلاه خاکستری فقط در حد هک کردن امکانات بازی ها از توانایی شان استفاده می کنند اما گروه دیگر یعنی کلاه سیاه واقعا خطرناک اند. آن ها به هیچ جایی تعلق ندارند و برای خودشان کار می کنند. بنابراین هر کاری دل شان بخواد انجام می دهند؛ مثلا وب سایت بانک ها را هک می کنند تا از حساب دیگران برای خودشان پول بردارند. کلاه سفید ها اما هکر های خوب و مفیدی هستند و برای منافع کشور شان کار می کنند».

● جایی برای برآورد شدن آرزوها

از علی می پرسم چرا بازی های رایانه ای این روزها این قدر مهم شده اند که آدم های زیادی در دنیا خیلی جدی مشغول طراحی و ساختن آن ها هستند، می گوید: «بازی های رایانه ای تمام رویاها و آرزوهای آدم ها را محقق می کنند. مثلا نوجوان عشق سرعتی که گواهی نامه ندارد توی بازی می تواند با هر سرعتی در خیابان ها رانندگی کند. بازی ها هر چه به واقعیت نزدیک تر باشند،



عکس هایی از بازی «ردپای شیطان»

جذاب تر و تأثیر گذار ترند. خیلی ها ممکن است ندانند یک بازی ظاهر ساده چه تأثیری دارد. همه ما با بازی هایی روبه روده ایم که تصاویر نامناسبی دارند یا مخالف قوانین کشور مان هستند. حتی من دیده ام بعضی کشور ها بازی هایی می سازند که در آن ها با ایرانی های جنگند و بچه ها هم به دلیل جذابیت و کیفیت بالای این بازی های روند سراغ شان. من هم برای مقابله با این موضوع تلاش هایی کرده ام؛ مثلا آخرین بازی که ساختم «ردپای شیطان» نام دارد که صحنه هایی از دفاع مقدس را نشان می دهد و بچه ها دشمن می جنگند». علی به عنوان یک بازی ساز در باره این توضیح می دهد که خوب یا بد بودن بازی های رایانه ای به انتخاب خود ما بر می گردد. «واقعیت این است که بچه های امروزی به بازی کردن با موبایل و رایانه عادت کرده اند. بازی می توانند سرگرمی خوبی باشند اما مهم است که چقدر برایش زمان بگذاریم و سراغ چه بازی هایی برویم؛ مثل چاقو که هم می تواند دست مان را ببرد و هم می تواند در اتاق عمل، جان یک نفر را نجات بدهد؛ بازی ها هم می توانند خوب یا بد باشند و این انتخاب خود آدم هاست که از آن ها چطور استفاده کنند».

صابون خانگی قیمتی ندارد و می تواند هدیه کوچکی برای نزدیکان مان باشد. برای ساخت آن به یک قالب صابون گلیسرین شفاف، اسانس های روغنی خوشبو، قالب سیلیکونی گرد و گل های خشک نیاز داریم. گل های خشک را داخل قالب سیلیکونی بریزید. مقداری از صابون گلیسرین را به قطعات ریز تقسیم کنید و داخل ظرفی به مدت ۳۰ ثانیه در مایکروویو قرار دهید تا کاملا ذوب شود. حالا اسانس های روغنی را به مخلوط ذوب شده صابون اضافه کنید. حدود ۲۵ تا ۳۰ قطره برای این مخلوط کافی است. سرعت عمل داشته باشید تا مایع گرمای خود را از دست ندهد. اگر می خواهید قالب صابون شما گرد باشد مانند تصویر از سرنگ استفاده کنید و کل قالب را پر کنید. حالا اجازه دهید صابون خانگی به مدت یک شب در یک مکان صاف باقی بماند. روز بعد به آرامی قالب را جدا کنید و برای یک ساعت در جای ثابت قرار دهید تا کاملا خودش را بگیرد. بعد قالب را در فریزر قرار دهید و بگذارید برای یک ساعت هم آن جابماند طوری که با کمی فشار صابون از قالب جدا شود.

صابون خانگی خوشگل بسازید



وقتی از عشق به فوتبال حرف می زنیم ...

ایده و اجرا: میرجانیان، مرادی

